

بار اثبات ادعا در قواعد دادرسی و رویه قضایی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی

علیرضا تقی‌پور*

تاریخ پذیرش: ۹۲/۵/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۲۸

چکیده

ارزیابی قواعد دادرسی و رویه قضایی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در زمینه اثبات ادعا و معیارهایی که متهم و دادستان باید در جریان دادرسی از مرحله تحقیق تا پایان محاکمه رعایت نمایند در اغلب موارد حاکی از پذیرش موازین بین‌المللی است. اما پیچیدگی موضوعات مطروحه در دادگاه‌های مزبور و تلاش برای تسریع دادرسی، باعث معکوس شدن بار اثبات ادعا و نادیده گرفته شدن اصل برائت در برخی موارد شده است.

کلیدواژگان: بار اثبات، معیار اثبات، اصل برائت، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی

مقدمه

از جمله آثار اصل برائت که دارای قلمرو وسیعی است و کلیه مراحل دادرسی از تحقیق تا صدور حکم را دربر می‌گیرد، ملزم نبودن متهم به اثبات بی‌گناهی خود یا رد ادعای دادستان با ارائه دلیل است. به همین دلیل، چه در نظام حقوقی کامن‌لا^۱ و چه رومی ژرمنی^۲، بار اثبات مجرمیت به عهده مقامات قضایی نهاده شده است و به‌رغم اینکه معیار اثبات در دو نظام مذکور با عبارات متفاوتی بیان گردیده است؛ به گونه‌ای که در کامن‌لا، مجرمیت باید بدون شک معقول^۳ به اثبات برسد و در رومی ژرمنی، معیار شناخته شده، اقناع وجدان قاضی^۴ است؛^۵ در هر دو نظام، حکم محکومیت باید مستدل و بر اساس محتویات پرونده باشد.

* استادیار گروه حقوق دانشگاه بوعلی‌سینا همدان. Arlaw2009@yahoo.com

^۱- Common Law.

^۲- Civil Law.

^۳- Beyond Reasonable Doubt.

^۴- Intime Conviction.

^۵- Cassese, Antonio, International Criminal Law, First published, Oxford University Press, 2003, p. 390.

این موضوع در اعلامیه‌ها و اسناد جهانی و منطقه‌ای نیز مدنظر قرار گرفته است. مطابق ماده ۱۱ از اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، ماده ۱۴ از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، ماده ۶ از کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر (۱۹۵۰)، ماده ۸ از کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹) و ماده ۷ از منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها (۱۹۸۱)، متهم تا زمان اثبات مجرمیت، بی‌گناه محسوب می‌شود.

در تصمیم متخذه^۱ توسط دیوان اروپایی حمایت از حقوق بشر^۲ و تفسیر^۳ کمیته حقوق بشر سازمان ملل،^۴ بار اثبات اتهام بر عهده دادستان است و متهم از وجود شک بهره‌مند می‌شود. به عبارت دیگر، اگر دادستان نتواند برای اثبات مجرمیت، کلیه شک‌های معقولی را که ممکن است در اذهان قضات نقش ببندد برطرف نماید، متهم باید تبرئه شود.

علاوه بر مجرمیت، در سایر موضوعات نیز دادستان ملزم به اثبات است. به عنوان مثال، کمیته حقوق بشر ضمن ضروری اعلام کردن بازداشت متهم به منظور حضور او در جلسه محاکمه و جلوگیری از تهدید شهود، از آن به عنوان یک استثنا و نه اصل یاد کرده است^۵ و بر اساس نظر دیوان اروپایی، ادامه‌ی بازداشت متهم زمانی موجه است که آزادی او عملاً خطرات و تهدیدهایی به دنبال داشته باشد.^۶ همچنین دیوان در قضیه دیگری خاطر نشان ساخته است به هنگام صدور قرار بازداشت، اصل برائت همواره باید مورد توجه مقامات قضایی قرار داشته باشد.^۷ بدین ترتیب، اصل بر آزادی موقت است مگر این که دادستان بتواند ثابت نماید آزادی متهم، خطراتی را از جمله فرار و تهدید شهود در پی دارد.

در زمان تشکیل دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو که برای محاکمه و مجازات جنایتکاران اصلی جنگ دوم جهانی تشکیل شده بودند، اسناد بین‌المللی حقوق بشر وجود نداشت. به همین دلیل

^۱ - Barbera, Messegue and Jabardo v. Spain, 6 December 1988.

^۲ - دیوان اروپایی در ۱۹۵۹ توسط شورای اروپا به وجود آمد. دیوان، متشکل از قضاتی به تعداد اعضای کنوانسیون اروپایی است.

^۳ - General Comment, No. 13, para. 7.

^۴ - کمیته حقوق بشر که طبق میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تاسیس گردیده، مرکب از ۱۸ نفر از اتباع دولت‌های عضو است. این عده برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آن‌ها بلامانع است.

^۵ - W. B. E V. the Netherland, 23 October 1992.

^۶ - I. A V. France, 23 September 1998.

^۷ - Trzaska v. Poland, 11 July 2000.

برخی از مواد اساسنامه دادگاه‌های مزبور به گونه‌ای تنظیم شده بود که باعث خدشه‌دار شدن اصل برائت می‌گردید. در ماده ۹ اساسنامه دادگاه نورنبرگ، صرف عضویت در سازمان‌های جنایتکار، جرم تلقی شده بود. بدین ترتیب، بار اثبات عدم اطلاع از اهداف و اعمال جنایتکارانه‌ی سازمان‌ها، بر عهده متهمین قرار گرفته بود. بر طبق بند ۳ ماده ۱۳ اساسنامه دادگاه توکیو نیز قضات می‌توانستند هر سندی را ولو بدون اثبات امضای آن توسط یک مامور رسمی و یا عضو نیروهای مسلح مورد پذیرش قرار دهند. بنابراین، حتی اگر متهمین دادگاه توکیو ثابت می‌کردند که سند معرفی شده به دادگاه توسط یک مامور رسمی امضا نشده است، این امر مورد پذیرش قرار نمی‌گرفت.

با توجه به این که دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی^۱ و رواندا^۲ و دیوان کیفری بین‌المللی^۳ در صدور رای، علاوه بر مقررات اساسنامه و قواعد دادرسی به منابع حقوق بین‌الملل نیز مراجعه می‌کنند، موضوعی که در پرونده‌های کوپرسکیچ^۴ و فوروندزیا^۵ در دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی و پرونده آکایسو^۶ در دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا به آن صراحتاً اشاره شده است و با نگرش به این که طبق ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، معاهده و رویه قضایی از منابع حقوق بین‌الملل به‌شمار می‌روند، در این مقاله سعی شده است مشخص شود هرچند سلسله‌مراتب دقیقی میان نهادهای بین‌المللی وجود ندارد،^۷ دادگاه‌های مزبور تا چه اندازه موفق به رعایت تصمیمات متخذه توسط کمیته حقوق بشر و دیوان اروپایی حمایت از حقوق بشر شده‌اند.

^۱ - دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی به موجب قطعنامه ۸۲۷ مورخ ۲۵ می ۱۹۹۳ توسط شورای امنیت ایجاد شد.

^۲ - دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا به موجب قطعنامه ۹۵۵ مورخ ۸ نوامبر ۱۹۹۴ توسط شورای امنیت ایجاد شد.

^۳ - اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ به تأیید ۱۲۰ کشور از کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس دیپلماتیک رم رسید و از اول ژوئیه ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد.

^۴ - Kupreskic, case No. IT-95-16, 14 January 2000, para. 591.

^۵ - Furundzija, case No. IT-95-17/1, 10 December 1998, paras. 177, 183-184.

^۶ - Akayesu, case No. ICTR-96-4, 2 September 1998, para. 593.

^۷ - Elzeidy, Mohamed M., "Critical Thoughts on Article 59(2) of the ICC Statute", Journal of International Criminal Justice, 2006, Vol. 4, p. 460.

گفتار نخست: مرحله تحقیقات

در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و رواندا^۱، مسئولیت تعقیب و تحقیق به دادستان واگذار شده است.^۲ مقامی که به تنهایی در زمینه شروع تحقیقات تصمیم‌گیری می‌کند. در دیوان کیفری بین‌المللی، انجام تحقیقات پس از تایید شعبه مقدماتی^۳ امکان‌پذیر است.^۴ در این مرحله، تکالیفی بر عهده متهم و دادستان دایر بر اثبات ادعا قرار داده شده است که مهم‌ترین آن را می‌توان در آزادی موقت متهم قبل از محاکمه و اعتراف به مجرمیت مشاهده کرد.

الف: صدور قرار آزادی موقت

طبق قواعد دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا، متهم پس از دستگیری به بازداشت‌گاهی که برای متهمین در نظر گرفته شده، منتقل می‌شود.^۵ متهم می‌تواند متعاقباً درخواست آزادی موقت را مطرح نماید.^۶ مهم‌ترین شرطی که دادگاه باید در این رابطه آن را مدنظر قرار دهد، حصول اطمینان از حضور مجدد متهم در دادگاه است.^۷

پیش‌بینی چنین شرطی را به دلیل اتهاماتی می‌توان دانست که در کیفرخواست درج گردیده است. در نتیجه، پس از دستگیری متهم به دلیل اتهامات مندرج در کیفرخواست و احتمال صدور حکم به مجازات‌های سنگین، هیچ مورد دیگری جز ادامه بازداشت نمی‌تواند باعث اطمینان خاطر نسبت به حضور متهم در جلسات دادرسی شود. به گونه‌ای که حتی در اجرای چنین شرطی، دادگاه یوگسلاوی تفاوتی میان متهمینی که دستگیر شده و یا داوطلبانه خود را تسلیم کرده‌اند، نگذاشته است. به عنوان مثال در پرونده‌های کوپرسکیچ^۸ و سی‌میچ^۹، تسلیم ارادی متهمین به

^۱ - جهت جلوگیری از اطاله کلام، عبارت کیفری بین‌المللی در ادامه مقاله حذف شده است.

^۲ - به ترتیب در بند ۱ مواد ۱۶ و ۱۵ اساسنامه دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا.

^۳ - Pre – trial Chamber.

^۴ - ماده ۱۵ اساسنامه.

^۵ - ماده ۶۴ آیین دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا.

^۶ - در آیین دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا مشخص نشده است، پس از گذشت چه مدت زمانی از صدور قرار بازداشت، مقام قضایی مکلف به بررسی مجدد قرار صادره است.

^۷ - بند ۲ ماده ۶۵ آیین دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا.

^۸ - Kupreskic, case No. IT- 95-16, 30 July 1999.

^۹ - Simic, case No. IT-95-9/2, 29 May 2000.

عنوان عاملی برای پذیرش درخواست متهم به آزادی موقت محسوب نشده است. در پرونده دلیچ نیز علاوه بر تسلیم داوطلبانه، همکاری متهم با دفتر دادستانی و فاصله زیاد مکانی میان متهم با شهود و قربانیانی که در کیفرخواست از آنان نام برده شده، از شرایط صدور قرار آزادی موقت اعلام گردید.^۱

طبق بند ۲ ماده ۶۵ قواعد دادرسی دادگاه یوگسلاوی که در دسامبر ۱۹۹۹ اصلاح گردید، اگر دادگاه متقاعد شود متهم در صورت آزادی، خطری برای شهود یا سایر اشخاص به وجود نیآورده و در موعد مقرر در دادگاه حاضر می‌شود، می‌تواند قرار آزادی موقت او را صادر نماید. بنابراین حتی اگر متهم بتواند آن چه را که در ماده مزبور پیش‌بینی شده ثابت نماید، شعب دادگاه ملزم به اعطای آزادی موقت نبوده و این امر به صلاحدید آنان واگذار شده است و متهم باید قضات را متقاعد نماید که اجرای چنین صلاحیدیدی موجه است.^۲ این موضوع توسط شعبه تجدیدنظر دادگاه رواندا در پرونده موونی^۳ مورد تأکید قرار گرفته است. در پرونده پوپوویچ نیز شعبه تجدیدنظر دادگاه یوگسلاوی اعلام کرد حتی هنگامی که خطر فرار متهم وجود ندارد، قضات نباید صلاحدید خود به اعطای آزادی موقت را به مرحله اجرا گذارند مگر این که دلایل کاملاً بشر دوستانه‌ای وجود داشته باشد که موازنه را به نفع اعطای آزادی موقت تغییر دهد.^۴ بدین ترتیب، نه تنها بار اثبات بر عهده متهم نهاده شده است، بلکه شعب دادگاه مجاز به تعیین معیارهایی شده‌اند که با اصل برائت در تضاد است.

قبل از اصلاحیه ۱۹۹۹، تنها در اوضاع و احوال استثنایی، امکان صدور قرار آزادی موقت وجود داشت. به عبارت دیگر، متهم باید با اثبات اوضاع و احوال استثنایی، دادگاه را متقاعد به صدور قرار می‌کرد. در نتیجه، آزادی موقت قبل از ۱۹۹۹، استثنا و بازداشت، یک اصل محسوب می‌شد. اما همان‌گونه که برخی معتقدند، بازداشت همچنان به عنوان یک اصل باقی مانده است،^۵

^۱- Delic, case No. IT-04-83, 6 May 2005.

^۲- Geert, Jan Alexandre Knoops, Theory and Practice of International and Internationalized Criminal Proceedings, Kluwer Law International, 2005, p. 139.

^۳- Muvunyi, Appeals Chamber, case No. ICTR-2000-55A-AR65, 20 May 2009, para. 6.

^۴- Popovic, Appeals Chamber, case No. IT-05-88-AR, 15 May 2008, para. 24.

^۵- McIntyre, Gabrielle, "Equality of Arms- Defining Human Rights in the Jurisprudence of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia", Leiden Journal of International Law, 2003, Vol. 16, p. 271.

زیرا شعبه بدوی دادگاه یوگسلاوی در پرونده گالیچ اعلام کرد هر چند متهم ملزم به اثبات اوضاع و احوال استثنایی نیست اما همچنان باید شرایط دیگری مانند حضور در دادگاه را ثابت نماید.^۱ همچنین طبق نظر شعبه بدوی در پرونده بردانین، حذف عبارت اوضاع و احوال استثنایی به این معنا نیست که آزادی متهمین تبدیل به اصل شده است.^۲

اما معیاری که متهم باید برای اثبات حضور مجدد خود در دادگاه و عدم تهدید شهود هنگام آزادی رعایت نماید، طبق نظر شعبه تجدیدنظر دادگاه یوگسلاوی در پرونده مورینا بر اساس موازنه احتمالات^۳ است.^۴ بدین معنا که متهم باید ثابت نماید احتمال حضور مجدد وی در دادگاه بیش از عدم حضور و عدم تهدید و ایجاد خطر برای شهود، بیش از تهدید شهود است. حال اگر متهم نتواند ادعای خود را ثابت کند، با توجه به اعلام نظر شعبه بدوی دادگاه یوگسلاوی در پرونده کرایسینیک، نوبت به دادستان می‌رسد که با معیار موازنه احتمالات، دادگاه را متقاعد به ادامه بازداشت متهم نماید.^۵ هر چند تعیین معیار موازنه احتمالات از طرف دادگاه صحیح به نظر می‌رسد،^۶ بدیهی است که اعمال این معیار به نفع دادستان تمام می‌شود زیرا به صرف ارائه این استدلال که متهم از هویت و مکان اقامت شهود مطلع بوده^۷ و قصد مراجعه به مکان‌هایی دارد که جرایم مورد ادعا ارتکاب یافته‌اند و همچنین اتهامات سنگینی که متوجه متهم است، دادگاه را می‌تواند متقاعد نماید که احتمال عدم حضور متهم بیش از حضور و احتمال تهدید شهود بیش از عدم آن است.

برخلاف دادگاه یوگسلاوی، بند ۲ ماده ۶۵ آیین دادرسی دادگاه رواندا همچنان بدون تغییر مانده است. بنابراین متهم نه تنها باید حضور خود در دادگاه و عدم تهدید شهود، بلکه اوضاع و احوال استثنایی که معیاری برای آن پیش‌بینی نشده است^۸ را نیز اثبات نماید. به عنوان مثال در

^۱- Galic, case No. IT-98-29, 27 July 2000, para. 4.

^۲- Brdanin, case No. IT-99-36, 25 July 2000, paras. 12-13.

^۳- Balance of Probabilities.

^۴- Morina, Appeals Chamber, case No. IT-04-84-R77. 4-A, 9 February 2009, para. 3.

^۵- Krajisnik, case No. IT-00-39, 8 October 2001, para. 30.

^۶- دادستان صرفاً در مورد اثبات مجرمیت متهم مکلف به رعایت معیار بدون شک معقول است.

^۷- با توجه به تعهداتی که برای افشای دلایل بر عهده دادستان قرار گرفته، متهم از هویت و مکان اقامت شهود مطلع می‌شود.

^۸- در قضیه روتاگاندا، دادگاه رواندا اعلام کرد که بیماری شدید متهم نمی‌تواند به عنوان اوضاع و احوال استثنایی، توجیه‌کننده آزادی موقت باشد زیرا امکان معالجات کافی برای متهم در مقر دادگاه وجود دارد. (۷ فوریه ۱۹۹۷)

پرونده بیکامومپاکا، شعبه بدوی دادگاه رواندا اعلام کرد، آزادی موقت طبق قواعد الزام‌آور دادگاه یک استثنا به‌شمار می‌رود.^۱ با توجه به چنین تصمیماتی، مدت بازداشت برخی از متهمین سال‌ها به طول انجامیده است. موضوعی که مورد اعتراف برخی از قضات دادگاه بین‌المللی برای رواندا نیز قرار گرفته است.^۲

طبق اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، پس از دستگیری متهم در قلمرو دولت عضو، وی می‌تواند درخواست آزادی موقت خود را مطرح نماید. اگر محکمه‌ی ملی به این نتیجه دست یابد که شرایط و اوضاع و احوال استثنایی، آزادی موقت را توجیه می‌کنند و تضمین‌هایی نیز برای تحویل متهم به دادگاه وجود دارد، در این رابطه تصمیم‌گیری می‌کند.^۳ با توجه به عبارت مندرج در اساسنامه، اصل بر بازداشت است. موضوعی که از یک سو با اصل بودن آزادی موقت متهم برای دولت‌هایی که کنوانسیون اروپایی و یا میثاق بین‌المللی را پذیرفته‌اند در تعارض است^۴ و از سوی دیگر، متهم تنها زمانی باید در بازداشت بماند که دادستان، خطرات صدور قرار آزادی موقت را ثابت نماید.

پس از تحویل متهم به دیوان کیفری بین‌المللی و درخواست وی به آزادی موقت، شعبه مقدماتی اگر متقاعد شود قرائن کافی در زمینه ارتکاب یکی از جرایم مندرج در اساسنامه وجود دارد، مبادرت به صدور قرار آزادی موقت نخواهد کرد.^۵ وظیفه متقاعد کردن شعبه مزبور به موجب بند ۱ ماده ۱۱۸ آیین دادرسی بر عهده دادستان قرار گرفته است که به نظر می‌رسد با توجه به رویه دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا، آن چه باید برای اثبات ادعای خویش رعایت نماید، معیار موازنه احتمالات خواهد بود.

بدین ترتیب، مجموع مقررات اساسنامه و قواعد دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی، دلالت بر استثنا بودن آزادی موقت داشته و بار اثبات حضور مجدد در دادگاه و عدم ایجاد مانع در مسیر تحقیقات بر عهده متهم قرار گرفته است.

^۱ - Bicomumpaka, case No. ICTR-99-49, 8 April 2003, para. 16.

^۲ - Mose, Eric, "Impact of Human Rights Conventions on the Two *ad hoc* Tribunals" in Morten Bergsmo (ed), Human Rights and Criminal Justice, Martinus Nijhoff Publishers, 2003, p. 196.

^۳ - بند ۴ ماده ۵۹.

^۴ - Geert, op. cit., p. 149.

^۵ - بند ۲ ماده ۶۰ اساسنامه.

ب: اعتراف به مجرمیت^۱

رویه اعتراف به مجرمیت از نظام حقوقی کامن^۲ لا گرفته شده است. طبق این رویه به متهم فرصت داده می‌شود که در ابتدای دادرسی، یا ادعای بی‌گناهی و یا اعتراف به مجرمیت نماید. صرفه‌جویی در زمان، هزینه و جلوگیری از تبعات رویارویی شاهد با متهم از مزایای این رویه دانسته شده است.^۳

اعتراف، زمانی معتبر شناخته می‌شود که واجد شرایطی باشد. در اساسنامه^۴ و قواعد دادرسی^۵ دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا مقرر گردیده است که پس از حضور ابتدایی متهم در دادگاه، از او خواسته می‌شود ظرف مدت معینی یا بلافاصله، نظر خود را در رابطه با مجرمیت یا عدم مجرمیت بیان نماید. در صورت اعتراف به مجرمیت، دبیرخانه تاریخی را برای برگزاری جلسه تعیین مجازات مشخص می‌کند. صحت این اعتراف بر اساس ماده ۶۲ مکرر آیین دادرسی بررسی می‌شود.

تا قبل از پرونده اردموویچ^۶، ماده ۶۲ مکرر که شرایط اعتراف معتبر را مطرح کرده است در آیین دادرسی وجود نداشت. در پرونده مزبور، متهم به موارد اتهامی مندرج در کیفرخواست که تحت عنوان جرایم علیه بشریت مطرح گردیده بود اعتراف کرد و شعبه بدوی با اعلام این که اعتراف، ارادی بوده و با آگاهی نسبت به ماهیت اتهامات انجام شده است، متهم را به ده سال حبس محکوم کرد. اما شعبه تجدیدنظر اعلام کرد، وکیل متهم نتوانسته است به موکل خود، تفاوت میان جرایم علیه بشریت با جرایم جنگی را به‌خوبی تفهیم نماید و متهم با این تصور که جرایم علیه بشریت، اتهام سبک‌تری به‌شمار می‌رود، اعتراف نموده و چه بسا اگر حقیقت امر برای او مشخص می‌بود اعتراف نمی‌کرد.^۷ از نظر این شعبه، اعتراف باید ارادی، آگاهانه و غیر مبهم

^۱- Plead Guilty.

^۲- Linton, Suzannah and Reiger, Caitlin, "The Evolving Jurisprudence and Practice of East Timor's Special Panels for Serious Crimes on Admissions of Guilt, Duress and Superior Orders", Year Book of International Humanitarian Law (2001), T. M. C. Asser Press, 2004, p. 169.

^۳- به ترتیب در مواد ۱۹ و ۲۰ اساسنامه دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا.

^۴- ماده ۶۲ آیین دادرسی.

^۵- Erdemovic, case No. IT-96-22, 31 May 1996.

^۶- Erdemovic, Appeals Chamber, 7 October 1997, para. 18, Joint Separate Opinion of Judge McDonald and Judge Vohrah.

باشد.^۱ در ماده ۶۲ مکرر، شرط دیگری نیز پیش‌بینی گردیده که تطبیق اعتراف با مدارک و سایر اوضاع و احوال مندرج در پرونده است. موضوعی که در پرونده‌های بابیچ^۲ و درونژیچ^۳ مورد تأکید شعبه تجدیدنظر دادگاه یوگسلاوی قرار گرفته است.

با توجه به این که متهم با اعتراف خود، صحت اتهامات مندرج در کیفرخواست را می‌پذیرد، لذا دادستان باید همان معیاری را که برای اثبات مجرمیت بر عهده دارد، در این مورد نیز رعایت نماید. به عبارت دیگر، باید بدون شک معقولی ثابت نماید اعتراف از طریق اجبار یا هر فعل و گفتاری که آن را غیر قابل اتکا می‌سازد، تحصیل نگردیده است. این در حالی است که در ماده ۹۲ آیین دادرسی مقرر شده است: «اعتراف انجام شده توسط متهم در حین بازجویی توسط دادستان با رعایت شرایط ماده ۶۳ قواعد دادرسی، آزادانه و ارادی فرض می‌شود مگر این که خلاف آن ثابت شود». علاوه بر این که عبارات مزبور، بر خلاف اصل برائت^۴ است،^۵ مشخص نیست در صورتی که متهم بخواهد عدم صحت اعتراف را ثابت نماید، باید معیار موازنه احتمالات یا معیار بدون شک معقول را رعایت کند؟^۶ به نظر می‌رسد متهم را نمی‌توان مکلف کرد تا آن حد، دلیل ارائه نماید که هیچ‌گونه شک معقولی در ذهن قضات باقی نماند، بلکه کافی است نسبت به صحت اعتراف، شک معقولی در ذهن قضات ایجاد نماید.

شاید بتوان این‌گونه استدلال کرد که شرایط مندرج در ماده ۶۳ قواعد دادرسی که عبارتند از بازجویی از متهم در حضور وکیل، اعلام حق سکوت به متهم و ضبط بازجویی در نوارهای صوتی

^۱ - از نظر شعبه تجدیدنظر، اعتراف زمانی ارادی به‌شمار می‌رود که با تهدید و فریب، تحصیل نشده باشد و متهم دارای سلامت کامل روانی بوده به گونه‌ای که نتایج اعتراف به مجرمیت را درک نماید. آگاهانه بودن اعتراف شامل درک متهم نسبت به ماهیت اتهامات می‌شود. مبهم نبودن اعتراف به این معناست که قصد متهم، اعتراف به ارتکاب جرم باشد و نه این که قصد طرح یک دفاع مانند اجبار را داشته باشد. بدین ترتیب در ۱۲ نوامبر ۱۹۹۷، ماده ۶۲ مکرر حاوی پیشنهادهای شعبه تجدیدنظر به آیین دادرسی اضافه گردید.

^۲ - Babic, case No. IT-03-72-A, Appeals Chamber, 18 July 2005, paras. 8-10.

^۳ - Deronjic, case No. IT-02-61-A, Appeals Chamber, 20 July 2005, paras. 12-19.

^۴ - دادستان باید ثابت نماید که اعتراف متهم، ارادی، آگاهانه و بدون اعمال فشار بر نامبرده بوده است.

^۵ - Sloan, James, "The International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia and Fair Trial Rights: A Closer Look", Leiden Journal of International Law, 1996, Vol. 9, p. 500.

^۶ - Bantekas, Ilias and Nash, Susan, International Criminal Law, Second edition, Cavendish Publishing, 2003, p. 292.

و تصویری، ملاک مناسبی برای تعیین صحت و اعتبار اعتراف تلقی می‌شود. حتی اگر چنین استدلالی پذیرفته شود، ماده ۶۳ فقط در خصوص زمان بازجویی و نه زمانی است که اعتراف متهم به استناد انعقاد توافق‌نامه با دادستان اخذ می‌شود؛ مانند آن چه تحت عنوان معامله اتهامی^۱ پیش‌بینی شده است. فرایندی که به موجب آن، مقام تعقیب‌کننده، اتهامات از نوع معینی را از کیفرخواست خارج کرده یا از دادگاه درخواست مجازات خفیف‌تری را می‌نماید، مشروط به این که متهم نسبت به اتهامات معینی اعتراف نماید.^۲ این فرایند در بند ۱ ماده ۶۲ ثالث آیین دادرسی دادگاه یوگسلاوی پیش‌بینی شده است و به‌رغم این که در آیین دادرسی دادگاه رواندا، صراحتاً به معامله اتهامی اشاره‌ای نشده، با توجه به این که دادستان می‌تواند در هر زمانی قبل از تأیید کیفرخواست به استناد مواد ۵۰ و ۵۱ آیین دادرسی، آن را اصلاح یا مسترد نماید، امکان چنین فرایندی وجود دارد. به عنوان مثال در پرونده کامباند،^۳ متهم در اعتراض به حکم شعبه بدوی اظهار نمود که او مجبور به امضای توافق‌نامه در بازداشتگاه شده است. شعبه تجدیدنظر دادگاه رواندا ضمن رد اظهارات متهم اعلام کرد که وی نتوانسته ثابت نماید بر اثر تهدید و اجبار توافق‌نامه را امضا کرده است.^۴ بدین ترتیب ملاحظه می‌شود در هنگام معامله اتهامی، تضمینات ماده ۶۳ قواعد دادرسی وجود ندارد. این امر باعث می‌شود به صرف ارائه توافق‌نامه به دادگاه توسط دادستان، اعتراف مندرج در آن صحیح و معتبر تلقی شده و امکان رد آن توسط متهم به حداقل برسد.

در دیوان کیفری بین‌المللی، اعتراف متهم طبق ماده ۶۵ اساسنامه باید آگاهانه، پس از مشورت با وکیل و متکی به واقعیات پرونده باشد. هر چند اعتراف متهم باعث می‌شود رسیدگی‌ها از حالت اصلی خود خارج شده و در مدت کوتاه‌تری به نتیجه برسد اما در مقایسه با دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا، بررسی سایر مستندات و اوضاع و احوال مندرج در پرونده از اهمیت بیشتری برخوردار است.^۵ به عبارت دیگر، اعتراف متهم صرفاً یک بخش از ادله محسوب می‌شود.

^۱ - Plea-Bargaining.

^۲ - Cassese, op. cit., p. 370.

^۳ - Kambanda, case No. ICTR-97-23, Appeals Chamber, 19 October 2000, paras. 63-64.

^۴ - Cryer, Robert; Friman, Hakan; Robinson, Darryl and Wilmshurst, Elizabeth, An Introduction to International Criminal Law and Procedure, Second edition, Cambridge University Press, 2010, p. 468.

طبق بند ۱ ماده ۵۵ اساسنامه، هنگام تحقیقات، اشخاص نباید تحت اجبار، تهدید یا شکنجه قرار داشته باشند. اما با توجه به این که بند ۱ از ماده ۱۱۲ آیین دادرسی، استفاده از نوارهای صوتی و تصویری را حین بازجویی الزامی ندانسته است، اگر متهم ادعا نماید تحت شکنجه یا تهدید مبادرت به اعتراف کرده است، نمی‌توان فرض را بر صحت اعتراف بنا نهاد و دادستان ملزم است صحت اعتراف را بدون هیچ‌گونه شک معقولی ثابت نماید، زیرا مطابق بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه، هیچ تکلیف متقابلی در جهت اثبات ادله یا رد آن نباید به متهم تحمیل شود. در رابطه با معامله اتهامی نیز بند ۵ ماده ۶۴ اساسنامه مقرر کرده است: «دادگاه به مباحثات میان دادستان و متهم راجع به اصلاح اتهامات، اعتراف به مجرمیت و یا مجازاتی که قرار است اعمال شود، وابسته و مقید نخواهد بود». بنابراین هرچند قضات، ملزم به پذیرش توافق به‌عمل آمده نیستند، اما ممنوعیتی نیز برای آن در نظر گرفته نشده است. به همین دلیل، در صورت توافق دادستان با متهم در رابطه با اتهامات، اگر متهم ادعا نماید امضای توافق‌نامه، ارادی و آزادانه نبوده است، این بار نیز به موجب ماده اخیرالذکر، اثبات خلاف ادعای متهم باید بر عهده دادستان قرار گیرد.

گفتار دوم: مرحله محاکمه

در دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا اگر ادله‌ی مقرون به صحتی^۱ علیه متهم وجود داشته باشد، پرونده برای رسیدگی به دادگاه، ارجاع و مرحله محاکمه آغاز می‌شود. در پرونده کوردیچ، شعبه بدوی دادگاه یوگسلاوی اعلام کرد، ادله مقرون به صحت، ادله معتبری هستند که اگر بی‌اعتباری آن‌ها توسط متهم ثابت نشود، مبنای کافی برای مسئولیت خواهند بود.^۲ در دیوان کیفری بین‌المللی، مرحله آغاز محاکمه، ارزیابی و تایید اتهام با توجه به معیار دلایل قوی^۳ علیه متهم توسط شعبه مقدماتی است. در مرحله محاکمه، افشای ادله‌ی جمع‌آوری شده توسط طرفین و صدور حکم محکومیت از مهم‌ترین مواردی به‌شمار می‌روند که اثبات ادعا از اهمیت بالایی برخوردار است.

^۱- Prima Facie Evidence.

^۲- Kordic, case No. IT-95-14/2, 10 November 1995, para. 3.

^۳- Substantial Grounds.

الف: افشای ادله

از جمله حقوقی که برای متهم در قواعد دادرسی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در نظر گرفته شده، افشای دلایل جمع‌آوری شده توسط هر یک از طرفین دادرسی است. پیش‌بینی مقررات راجع به افشای ادله، کمک موثری برای متهمی تلقی می‌شود که در بازداشت به سر می‌برد.

در بند ۲ ماده ۶۶ آیین دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا، حق بررسی اسناد، عکس‌ها و اشیایی که در اختیار دادستان است و می‌تواند برای تدارک دفاعیات متهم، واجد اهمیت باشد در نظر گرفته شده است. بنابراین متهم به خودی‌خود از اسناد و اشیایی تحت اختیار دادستان بهره‌مند نمی‌شود، بلکه باید دو مورد را ثابت نماید. نخست این که اسناد و اشیا در اختیار دادستان هستند و دوم این که برای دفاع، واجد اهمیت به‌شمار می‌روند. این در حالی است که شعبه بدوی دادگاه یوگسلاوی در پرونده *استانیسیچ*^۱ و شعبه تجدیدنظر دادگاه رواندا در پرونده *کارمر*^۲ اعلام کرده‌اند که متهم باید اثبات نماید اسناد مورد درخواست در اختیار دادستان است، دلیل محمول به صحتی ارائه نماید که مرتبط با دفاعیات وی هستند، و سرانجام این که به صورت مشخصی، اسناد مورد درخواست را تعیین نماید. در نتیجه، شعب مزبور، متهم را مکلف کرده‌اند مورد سوئی که تعیین دقیق اسناد مورد درخواست است را نیز به‌رغم عدم تصریح در قواعد دادرسی ثابت نماید.

از مجموع عبارات مندرج در آرای مزبور این‌گونه استنباط می‌شود که اگر متهم بتواند قضات را به نحو معقولی متقاعد نماید اسنادی در اختیار دادستان است که با دفاعیات وی مرتبط است، کافی بوده و نیازی نیست شک معقولی در ذهن قضات باقی نماند.

از جمله تعهدات دیگری که برای دادستان در آیین دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا در نظر گرفته شده، افشای ادله‌ی تبرئه‌کننده طبق ماده ۶۸ است. در این ماده مقرر شده است؛ اگر دادستان نسبت به ادله‌ای که باعث کاهش مجرمیت یا تبرئه‌ی متهم شده و یا به نحو دیگری بر اعتبار ادله‌ی مرتبط با مجرمیت تاثیر می‌گذارد آگاهی یابد، باید آن‌ها را فاش نماید. شعبه تجدیدنظر دادگاه یوگسلاوی در پرونده *بلاسکیچ* اعلام کرد، حداقل تا زمان صدور حکم،

^۱- Stanisic (Jovica), case No. IT-03-69-T, 11 March 2011, para. 14.

^۲- Karemera, Case No. ICTR-98-44-AR73. 18, Appeals chamber, 17 May 2010, paras. 12-13 and 32.

دادستان متعهد به افشای چنین ادله‌ای است^۱ و بنا به نظر شعبه بدوی در پروند کرنویلاچ، اعتقاد دادستان مبنی بر این که در پایان دادرسی ممکن است ادله تبرئه‌کننده از طرف دادگاه مورد پذیرش قرار نگیرند، باعث از بین رفتن تعهد نام‌برده به افشای آن نمی‌شود.^۲ اما هیچ یک از مقررات اساسنامه و آیین دادرسی، وظیفه‌ای در این رابطه بر عهده دادستان قرار نداده‌اند. بدین ترتیب، حتی اگر ادله تبرئه‌کننده توسط دادستان جمع‌آوری شود، مجبور به افشای آن نیست. شعبه تجدیدنظر دادگاه یوگسلاوی در پرونده کوردیچ اعلام کرد، دادستان تا حد امکان هر مدرکی را که بنا به اعتقاد وی می‌تواند در تبرئه‌ی متهم موثر باشد باید افشا نماید.^۳ به عبارت دیگر، صلاحدید شناسایی ادله‌ی تبرئه‌کننده بر عهده دادستان قرار گرفته است.^۴ این موضوع در پرونده بلاسکیچ، توسط شعبه بدوی دادگاه یوگسلاوی تایید گردیده و بار اثبات وجود دلایل تبرئه‌کننده بر عهده متهم قرار گرفته است.^۵ این در حالی است که طبق آرای سابق‌الذکر، دادستان مکلف به افشای ادله‌ی تبرئه‌کننده است و به همین دلیل، بار اثبات عمل به این تعهد نیز باید بر عهده‌ی وی قرار داشته باشد.

در دادگاه رواندا نیز شعبه بدوی در پرونده باگلیشما اعلام کرد، آگاهی دادستان از ادله تبرئه‌کننده به معنای صرف اطلاع از وجود چنین ادله‌ای نیست، بلکه بدین معناست که دادستان، عملاً چنین ادله‌ای را در اختیار داشته باشد.^۶ بنابراین حتی اگر متهم ثابت نماید که دادستان از وجود ادله تبرئه‌کننده مطلع می‌باشد، مورد پذیرش دادگاه قرار نخواهد گرفت.

مقررات مشابهی در آیین دادرسی دادگاه کیفری بین‌المللی در زمینه افشای ادله پیش‌بینی شده است، اما محدودیت‌هایی نیز در رابطه با اسناد محرمانه مقرر است. در پرونده لوبانگا، شعبه مقدماتی اعلام کرد: دادستان می‌تواند به منظور حفظ اسناد محرمانه درخواست نماید جلساتی

^۱ - Blaskic, case No. IT-95-14, Appeals chamber, 26 September 2000, para. 31.

^۲ - Krnojelac, case No. IT-97-25, 14 September 1999 (Status Conference).

^۳ - Kordic, case No. IT-95-14/2-A, Appeals Chamber, 17 December 2004, paras. 178-183.

^۴ - Bohlander, Michael, "Evidence before the International Criminal Court- Basic Principle", Era Forum, 2005, Vol. 6, p. 549.

^۵ - Blaskic, 18 July 1997, para. 39.

^۶ - Bagilishema, case No. ICTR-95-1, 8 July 2000, paras. 6-7.

بدون حضور متهم تشکیل شود، اما با توجه به این که تشکیل این گونه جلسات، استثنا محسوب می‌شود، دادستان باید ثابت نماید چنین اقدامی به یکی از اهداف مهم وی کمک می‌کند؛ توسل به راه‌حل دیگری که بتواند چنین هدفی را تامین کند امکان‌پذیر نیست؛ و منافع حاصله از چنین اقدامی، بیش از خدشه‌ای است که به حقوق متهم وارد می‌شود.^۱ در نتیجه، شعبه‌ی مقدماتی با توجه به استثنا بودن چنین جلساتی و این که عدم حضور متهم، مانع از ارائه‌ی دفاعیات وی می‌شود به‌درستی اعلام کرده است بار اثبات حفظ اسناد محرمانه و برتری آن نسبت به حقوق متهم با دادستان است.

همانند دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا، در آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی مقرر شده است، دادستان باید به متهم اجازه دهد هر سند، عکس یا اشیای دیگری که در اختیار دارد و برای تدارک دفاع متهم حائز اهمیت است را مورد بررسی قرار دهد.^۲ در آیین دادرسی مشخص نشده مدارکی که در اختیار دادستان است، از دیدگاه کدام یک از طرفین دادرسی باید حائز اهمیت باشد. بدیهی است، آن چه از طرف دادستان حائز اهمیت می‌باشد، مدارک تاییدکننده اتهامات هستند. بنابراین متهم به‌رغم عدم دسترسی به پرونده باید ثابت نماید که برخی از مدارک موجود می‌تواند به دفاعیات وی کمک نماید؛ در غیر این صورت، مدارک مزبور در اختیار وی قرار نخواهد گرفت.

ب: صدور حکم محکومیت

ادله‌ای که توسط دادستان و متهم در دادگاه ارائه می‌شوند باید توسط قضات شعبه بدوی، ارزیابی شده و معتبر و مرتبط بودن آن‌ها با موضوع مورد تایید قرار گیرد. اما با توجه به این که از زمان آغاز رسیدگی‌ها در مرحله محاکمه تا پایان آن، جلسات متعددی تشکیل می‌شود، اگر ادله ارائه شده توسط دادستان نتواند مبنای قوی برای مجرمیت متهم محسوب شود، متهم و وکلای او باید ثابت نمایند که دلایل مزبور، مقرون به صحت نبوده^۳ و درخواست تبرئه نمایند.^۴ در این مرحله، مجدداً دادستان می‌تواند دلایل بیشتری در حمایت از محکومیت متهم ارائه نماید، اما

^۱ - Lubanga, case No. ICC-01/04-01/06, 19 May 2006, paras-8-13.

^۲ - ماده ۷۷.

^۳ - Calvo Goller, Katrin N., The Trial Proceedings of the International Criminal Court: Icty and Ictr Precedents, Martinus Nijhoff Publishers, 2006, p. 99.

^۴ - ماده ۹۸ مکرر آیین دادرسی دادگاه یوگسلاوی - ماده ۹۸ آیین دادرسی دادگاه رواندا.

طبق رویه قضایی، مکلف به رعایت معیار بدون شک معقول در اثبات مجرمیت نیست. این موضوع در پرونده کوردیچ به تایید شعبه بدوی دادگاه یوگسلاوی رسیده است.^۱ حال اگر دلایل دادستان در محکومیت متهم قوی باشد، بلافاصله منجر به صدور حکم محکومیت نمی‌شود، بلکه همان‌گونه که در پرونده دلالیچ، شعبه بدوی دادگاه یوگسلاوی بدان اشاره نمود، متهم فرصت دارد در ادامه جلسات دادرسی، مبادرت به رد دلایل دادستان نماید.^۲

از جمله مواردی که متهم می‌تواند در رفع مسئولیت کیفری خود مطرح نماید، عدم کنترل روانی هنگام ارتکاب جنایت است. اما اگر در رابطه با این ادعا، دلیلی مطرح ننماید، دادستان ملزم به رد این ادعا با ارائه دلیل نبوده^۳ و فقط مکلف است ادعای خود را در زمینه ارتکاب جنایت توسط متهم ثابت نماید. در پرونده دلالیچ، شعبه تجدیدنظر دادگاه یوگسلاوی اعلام کرد با توجه به این که اصل بر صحت روانی افراد است، متهم باید براساس موازنه‌ی احتمالات ثابت نماید در زمان ارتکاب جنایت دارای اهلیت روانی نبوده است.^۴ به عبارت دیگر، اگر متهم بتواند شک معقولی در ذهن قضاات نسبت به اهلیت روانی خود در زمان ارتکاب جنایت ایجاد نماید و دادستان نیز نتواند شک معقول به وجود آمده را از ذهن قضاات بزدايد، حکم محکومیت متهم صادر نمی‌شود. هرچند طبق جزء ۹ از بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مقرر شده است که متهم، ملزم به اثبات موضوعات مطرح شده در جلسات دادرسی نیست، اما به نظر می‌رسد همانند دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا اگر ادعای جنون در زمان ارتکاب جنایت را مطرح نماید، مکلف به اثبات آن براساس معیار موازنه احتمالات خواهد بود.

دفاع دیگری که متهم می‌تواند بدان توسل جوید، عدم حضور در محل وقوع جنایت است. در آیین دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا مقرر گردیده است که در صورت طرح چنین دفاعی، متهم باید مکانی را که ادعا می‌کند در آن جا حضور داشته و ادله‌ای را که قصد استناد به آن‌ها دارد تعیین و مشخص نماید.^۵

^۱ - Kordic, 6 April 2000, para. 26.

^۲ - Delalic, case No. IT-96-21, 16 November 1998, para. 82.

^۳ - May, Richard, Criminal Evidence, Second edition, Sweet and Maxwell, 1990, p. 45.

^۴ - Delalic, Appeals Chamber, 20 February 2001, para. 590.

^۵ - بند ۱ ماده ۶۷

شعبه تجدیدنظر دادگاه رواندا در پرونده‌های سیمبا^۱ و کازلژلی^۲ اعلام کرد، متهم باید شک معقولی نسبت به ادعای دادستان ایجاد نماید. پس از آن، نوبت به دادستان می‌رسد که بدون شک معقولی ثابت نماید به‌رغم دفاع مزبور، جرایم ارتكابی مستند به متهم بوده و صحت دارند. بدیهی است با توجه به این که اصل را نمی‌توان بر حضور افراد در محل وقوع جنایت قرار دارد، متهم تکلیفی به اثبات ادعای خود بدون شک معقول ندارد، بلکه کافی است با ارائه دلیل، شک معقولی در ذهن قضات به وجود آورد که ادعای او مقرون به صحت است.^۳ در ادامه، دادستان باید تا آن حد دلیل ارائه کند که شک ایجاد شده در ذهن قضات زوده شود. در غیر این صورت، شک را باید به نفع متهم تفسیر کرد.

در پایان جلسات محاکمه و پس از ارائه ادله، دادستان باید ادعای خود را در رابطه با مجرمیت متهم بدون شک معقولی ثابت کند. بنابراین شک ناشی از صرف احتمال نمی‌تواند ممانعی برای صدور حکم محکومیت به‌شمار آید.^۴ اما با توجه به این که دادستان ممکن است دلایل متعددی علیه متهم ارائه کند، شعبه تجدیدنظر دادگاه یوگسلاوی در پرونده لیماژ اعلام کرد، معیار اثبات مجرمیت بدون شک معقول بدان معنا نیست که دادستان هر بخش از ادله را به صورت مستقل بر اساس این معیار ثابت نماید.^۵ بنابراین حتی اگر هر بخش از ادله به صورت مجزا مورد بررسی شعبه قرار گیرد، مجموع ادله باید نشان دهد که دادستان، مجرمیت را بدون شک معقول ثابت کرده است.^۶ از عبارات مزبور، این‌گونه استنباط می‌شود که اگر بخشی از ادله، دلالتی بر مجرمیت متهم بدون شک معقول نداشته باشد، صدور حکم محکومیت متهم طبق ماده ۷۸ از آیین دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا و بند ۳ از ماده ۷۴ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی با اکثریت آرا امکان‌پذیر است. این در حالی است که آن چه در صدور حکم از اهمیت برخوردار می‌باشد، ایجاد نشدن شک معقول در مسئولیت متهم نسبت به جنایات ارتكابی است و صدور

^۱- Simba, case No. ICTR-01-76-A, Appeals Chamber, 27 November 2007, para. 184.

^۲- Kajelijeli, case No. ICTR-98-44-A, Appeals Chamber, 23 May 2005, paras. 42-43.

^۳- Bohlander, Michael, International Criminal Justice: A Critical Analysis of Institutions and Procedures, Cameron May Ltd., 2007, p. 106.

^۴- Pruitt, Renee C., "Guilt by Majority in the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia: Does this Meet the Standard of Proof beyond Reasonable Doubt?", Leiden Journal of International Law, 1997, Vol. 10, p. 568.

^۵- Limaj, case No. IT-03-66-A, Appeals Chamber, 27 September 2007, para. 24.

^۶- Ibid., para. 153.

حکم با اکثریت آرا نمی‌تواند واجد چنین معیاری باشد. زیرا اگر یکی از قضات دادگاه، شک معقولی نسبت به دلایل مجرمیت داشته باشد، صدور حکم محکومیت برخلاف اصل برائت خواهد بود.

نتیجه‌گیری

اصل برائت که به موجب آن، بار اثبات مجرمیت بر عهده مقام تعقیب قرار دارد، سالیان متمادی است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر پیش‌بینی شده است. دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نیز به پیروی از اسناد مزبور، الزام دادستان را به اثبات مجرمیت و به پیروی از برخی نظام‌های حقوقی و به‌رغم عدم تصریح در آیین دادرسی، الزام متهم را به اثبات ادعاهایی که در دفاع از خود مطرح می‌کند مورد تأکید قرار داده‌اند. معیار اثبات مجرمیت بدون شک معقول بر عهده دادستان و معیار موازنه‌ی احتمالات برای اثبات ادعا، گاه بر عهده متهم و گاه دادستان نهاده شده است.

هرچند اتخاذ چنین رویه‌ای برخلاف اصل برائت به نظر نمی‌رسد، اما در برخی موارد، اصل مزبور نادیده گرفته شده است. ملزم نمودن متهم به اثبات شرایط صدور قرار آزادی موقت و اثبات عدم صحت اعتراف در جایی که دادستان به دلیل جمع‌آوری دلایل متعدد علیه متهم، مکلف به اثبات ضرورت ادامه بازداشت و با توجه به رعایت شرایط بازجویی و تحقیق از متهم، مکلف به اثبات صحت اعتراف اخذ شده می‌باشد، از جمله‌ی این موارد به‌شمار می‌روند. صدور حکم محکومیت با اکثریت آرا نیز بدان معناست که دادستان نتوانسته بدون شک معقولی، مجرمیت متهم را ثابت نماید.

بدین ترتیب، هرچند جامعه جهانی به دلیل جنایات شدید ارتكابی، انتظار رسیدگی سریع را به اتهامات دارد، بی‌توجهی به اصولی همچون برائت، نه تنها موجب کاهش شان و جایگاه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی می‌شود، بلکه صدور احکام و تصمیمات مبتنی بر اشتباه را به دنبال خواهد داشت.

منابع و مأخذ

- 1- Bantekas, Ilias and Nash, Susan, International Criminal Law, Second edition, Cavendish publishing, 2003.
- 2- Bohlander, Michael, "Evidence before the international Criminal court-Basic principle", Era forum, 2005, Vol. 6.

- 3- Bohlander, Michael, International Criminal Justice: A Critical Analysis of Institutions and Procedures, Cameron May Ltd., 2007.
- 4- Calvo Goller, Katrin N., the Trial Proceedings of the International Criminal Court: Icty and Ictr Precedents, Martinus Nijhoff Publishers, 2006.
- 5- Cassese, Antonio, International Criminal Law, First published, Oxford University Press, 2003.
- 6- Cryer, Robert; Friman, Hakan; Robinson, Darryl and Wilmschurst, Elizabeth, An Introduction to International Criminal Law and Procedure, Second edition, Cambridge University Press, 2010.
- 7- Elzeidy, Mohamed M., "Critical Thoughts on Article 59(2) of the ICC Statute", Journal of International Criminal Justice, 2006, Vol. 4.
- 8- Geert, Jan Alexandre Knoops, Theory and Practice of International and Internationalized Criminal Proceedings, Kluwer Law International, 2005.
- 9- Linton, Suzannah and Reiger, Caitlin, "The Evolving Jurisprudence and Practice of East Timor's Special Panels for Serious Crimes on Admissions of Guilt, Duress and Superior Orders", Year Book of International Humanitarian Law (2001), T. M. C. Asser Press, 2004.
- 10- May, Richard, Criminal Evidence, Second edition, Sweet and Maxwell, 1990.
- 11- McIntyre, Gabrielle, "Equality of Arms- Defining Human Rights in the Jurisprudence of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia", Leiden Journal of International Law, 2003, Vol. 16.
- 12- Mose, Eric, "Impact of Human Rights Conventions on the Two *ad hoc* Tribunals", in Morten Bergsmo (ed), Human Rights and Criminal Justice, Martinus Nijhoff Publishers, 2003.
- 13- Pruitt, Renee C., "Guilt by Majority in the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia: Does this Meet the Standard of Proof beyond Reasonable Doubt?", Leiden Journal of International Law, 1997, Vol. 10.
- 14- Sloan, James, "the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia and Fair Trial Rights: A Closer Look", Leiden Journal of International Law, 1996, Vol. 9.

Table of Cases

A: International Bodies of Human Rights

- 15- Barbera, Messegue and Jabardo v. Spain, 6 December 1988.

- 16- I. A V. France, 23 September 1998.
- 17- Trzaska v. Poland, 11 July 2000.
- 18- W. B. E V. the Netherland, 23 October 1992.

B: International Criminal Tribunal of Former Yugoslavia

- 19- Babic, case No. IT-03-72-A, Appeals Chamber, 18 July 2005.
- 20- Blaskic, 18 July 1997.
- 21- Blaskic, case No. IT-95-14, Appeals Chamber, 26 September 2000.
- 22- Brdanin, case No. IT-99-36, 25 July 2000.
- 23- Delalic, case No. IT-96-21, 16 November 1998.
- 24- Delalic, Appeals Chamber, 20 February 2001.
- 25- Delic, case No. IT-04-83, 6 May 2005.
- 26- Deronjic, case No. IT-02-61-A, Appeals Chamber, 20 July 2005.
- 27- Erdemovic, case No. IT-96-22, 31 May 1996.
- 28- Erdemovic, Appeals Chamber, 7 October 1997.
- 29- Furundzija, case No. IT-95-17/1, 10 December 1998.
- 30- Galic, case No. IT-98-29, 27 July 2000.
- 31- Kordic, 6 April 2000.
- 32- Kordic, case No. IT-95-14/2-A, Appeals Chamber, 17 December 2004.
- 33- Kordic, case No. IT-95-14/2, 10 November 1995.
- 34- Krajisnik, case No. IT-00-39, 8 October 2001.
- 35- Krnojelac, case No. IT-97-25, 14 September 1999 (Status Conference).
- 36- Kupreskic, case No. IT- 95-16, 30 July 1999.
- 37- Kupreskic, 14 January 2000.
- 38- Limaj, case No. IT-03-66-A, Appeals chamber, 27 September 2007.
- 39- Morina, Appeals Chamber, case No. IT-04-84-R77, 4-A, 9 February 2009.
- 40- Popovic, Appeals Chamber, case No. IT-05-88-AR, 15 May 2008.
- 41- Simic, case No. IT-95-9/2, 29 May 2000.
- 42- Stanisic (Jovica), case No. IT-03-69-T, 11 March 2011.

C: International Criminal Tribunal of Rwanda

- 43- Akayesu, case No. ICTR-96-4, 2 September 1998.
- 44- Bicomupaka, case No. ICTR-99-49, 8 April 2003.
- 45- Kajelijeli, case No. ICTR-98-44-A, Appeals Chamber, 23 May 2005.
- 46- Kambanda, case No. ICTR-97-23, Appeals Chamber, 19 October 2000.

- 47- Karemera, case No. ICTR-98-44-AR73. 18, Appeals Chamber, 17 May 2010.
- 48- Muvunyi, Appeals Chamber, case No. ICTR-2000-55A-AR65, 20 May 2009.
- 49- Simba, case No. ICTR-01-76-A, Appeals Chamber, 27 November 2007.

D: International Criminal Court

- 50- Lubanga, case No. ICC-01/04-01/06, 19 May 2006.